

آموزش مداحی صدا سازی

در يك تقسيم بندي كلي صداها به زيرو بم تقسيم مي شوند. منظور از زيرو بودن صدا، نازكي صدا و منظور از بم بودن صدا كلفتي صدامي باشد.

علت زيرو بمی صدا

به نظر مي رسد كه تفاوت طول و ضخامت تارهاي صوتي، دليل اصلي تفاوت زيرو بم بودن صداست. بطور كلي هر چه طول تارهاي صوتي بيشتر و ضخامت آن كمتر باشد صدا زيرو تر و هر چه طول تارهاي صوتي كمتر و ضخامت آنها بيشتر باشد صدا بم تر مي شود.

تغييرات صدا در حين رشد

۱. زيرو ترين صدای فرد در زماني است كه تازه به دنيا مي آيد و گريه مي كند.
۲. زيرو بم بودن صدای كودكان بين پسر و دختر تفاوتي ندارد و تغييرات ايجاد شده تقريباً بين سنين ۱۰-۱۲ سالگي صورت مي گيرد. به اين نحوه كه هم در دختران و هم در پسران صدا بم تر مي شود با اين تفاوت كه ميزان بم شدگي در پسران بسيار بيشتر از دختران است.

درست در همين سنين است كه يك دوره گرفتگي صدا، به علت تغييرات هورموني در سنين بلوغ هم در پسران و هم در دختران ايجاد مي شود و اگر در اين دوران از صدا درست استفاده نشود صدا همچنان

گرفته باقي مي ماند و لذا توصيه مي كنيم ذاكرين نوجوان در اين سنين به صدايشان فشار زيادي وارد ننمايند.

۳. از سن ۲۰ تا ۷۰ سالگي صدا تقريباً ثابت بوده و ممكن است مقداري به سمت بم شدن پيش رود.

۴. از سن ۷۰ سالگي به بالا صدا به خصوص در آقاين شروع به زيرو شدن مي كند، همچنين امكان گرفتگي صدا در اين سنين به علت تغييراتي در ساختمان حنجره (به علت پيري) مي باشد.

خصوصيات صدای زيرو بم

كساني كه صدايشان زيرو است معمولاً از قابليت اوج و ارتفاع زياد، انعطاف و تحرير بيشتر، برخوردارند در حالي كه صدای بم معمولاً داراي حجم و طنين بيشتر است. البته ناگفته نماند كه ممكن است صدایي در حين بم بودن داراي انعطاف و ارتفاع زيادي باشد و يا صدای زيرو داراي حجم و طنين بالايي باشد، چرا كه تمرين عامل است كه روي تمام معادلات فني مداحي تأثير گذار است.

زيرو صدا

الف) نوای زيرو صدا

در مداحي بعضي از اساتيد نواي وجود دارد كه در پرده و حجم صدای پايين، با هاله اي از هوا همراه است، اين نوار را "زيرو صدا" ناميد ايم. نوای زيرو صدا

معمولا در ابتدای خواندن و فرودها و نشستها کاربرد دارد.

مراحل پیدا کردن نوای زیر صدا

۱. حالت درگوشی حرف زدن: نفس. کلام در حقیقت اگر به صدای درگوشی صحبت کردن. که فقط نفس و کلام است. یک جوهره صدایی با سبک اضافه کنید؛ نوای "زیر صدا" را به دست آورده اید.
۲. حالت دکلمه خوانی شعری دار کردن از خواب: نفس، کلام، جوهره صدا.
۳. پیدا شدن زیر صدا: نفس، کلام، جوهره صدا. آهنگ و سبک

(ب) سبک زیر صدا:

با توجه به این که نوای زیر صدا در بعضی سبکها. مثل سبک استاد حاج سید محمد موسوی. بسیار مشهود است، ما سبک ایشان را با عنوان سبک زیر صدا نام نهاده ایم و برای یادگیری دقیق نوای زیر صدا، استفاده از سبک استاد موسوی را توصیه می کنیم.

سبک اساتیدی چون موسوی که نوای زیر صدا در آن بر نواهای دیگر غلبه دارد.

نکات کلی پیرامون زیر و بم صدا

۱. آیا زیر و بمی صدا قابل تغییر است؟
از نظر علمی بله اما به علت مضراتی که دارد توصیه نمی شود. مثال بدنسازی هورمونی.

۲. چه کنیم صدا ایمان پخته شود؟
در جواب باید گفت ظاهر منظور این سؤال کنندگان این است که چه کنیم صدا ایمان پخته شود؟ با تمرین و ممارست و کسب تجربه، به مرور صدا پخته و جا افتاده خواهد شد.

۳. از صدای چه کسی تقلید کنیم؟
به هیچ وجه صدای استادی را تقلید نکنید و در خواندن، تن صدایتان را تغییر ندهید بلکه از سبک و روش خواندن اساتید استفاده نمایید.

۴. از سبک چه کسی تقلید کنیم؟
در مرحله تقلید به پیشنهاد اساتید و در مرحله استقلال گلهای خواندن اساتید مختلف را چینه و از کسی تقلید کنید که خواندنش را دوست دارید.

۵. برای مداحی کدام نوع صدا بهتر است؟
برای مداحی فن محور صدای بم برای روضه مناسبتر است اما برای مداحی محتوا محور و معنویت محور تفاوتی بین صداها نیست.

۶. انعطاف صدا (تحریر)
تعریف لغوی: تحریر، کشش دادن صوت به هنگام آواز خوانی است.

تعریف اصطلاحی: به پیچ و خمها و لرز و موجهایی که در خواندن به صدا داده می شود تحریر

می‌گویند. که معادل همان چه چه است.

انواع تحریر

۱. تحریر موج: تحریری است که فاصله بین اجزای آن زیاد است و محل اتصال اجزای آن - با شنیدن - محسوس نیست و فراز و نشیب‌ها و پیچ و خمها به حالت موجی از صدا به گوش می‌رسد.

نکته: تحریر موج معمولاً تک جزئی و با ترکیب تحریرهای دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲. تحریر پله‌ای: تحریری است که فاصله بین اجزای آن زیاد و تا حدی کمتر از تحریر موج است و محل اتصال اجزای آن از جهت شنیداری کاملاً احساس می‌شود و گویا یک تکیه صوتی در محل اتصال اجزای آن وجود دارد.

نکته: پرکاربردترین نوع تحریر تحریر پله‌ای است.
۳. تحریر لرز: اگر در یک پرده، صدای بدون تحریر را بلرزانیم، این تحریر ایجاد می‌شود.

نکته: تحریر لرز معمولاً در ترکیب با انواع دیگر تحریر به کار می‌رود.

۴. تحریر ریز: اگر فاصله بین اجزای تحریر پله‌ای را به حدی کم کنید که به تحریر لرز نزدیک شود، و یا همان تحریر لرز را با فاصله بیشتر بین اجزا، به حالت صعودی یا فرودی، در پرده‌های مختلف صدا پیاده

کنید، یک نوع تحریر زیبایی دیگری ایجاد می‌شود که به آن تحریر ریزی می‌گوییم.

مراحل تمرین:

۱. انتخاب الگو
۲. ملکه کردن الگو
۳. همخوانی با الگو تا جایی که از الگو جلونزیند، عقب نمانید، بالاتر و یا پایین تر نخوانید.
۴. تکخوانی

نکات کلی پیرامون تحریر

۱. شناخت تحریرها شنیداری است و البته توضیحات داده شده تا حدی می‌تواند در شناخت انواع تحریر مؤثر باشد.

۲. برای تمرین ابتدا از تحریرهای ساده تر شروع کرده و به مرور زمان به سراغ تحریرهای سخت تر بروید.

۳. با ترکیب تحریرها، نمونه‌های ذوقی و طبعی زیبایی ایجاد می‌شود.

۴. دقت کنید تحریرهای طبعی و ذوقی ناصحیح و نازیبا در خواندنتان جا نیفتد، البته پس از یادگیری صحیح انواع تحریر، می‌توانید از تحریرهای ذوقی زیبا استفاده کنید. تشخیص صحت و سقم تحریرهای ذوقی به تشخیص اساتید است.

۵. مواضعی که باید از تحریرهای طولانی پرهیزید عبارت است از:

الف) در رسم الله و جملات عربی ابتدایی مجلس.

ب) هنگام باز کردن گره مرثیه (بیان سوزناکترین بخش روضه)؛ چون تحریر طولانی، جلب توجه نموده و تمرکز مستمع را نسبت به روضه گرمی کند.

ج) هنگام خواندن شعر در محافل مولودی؛ چرا که عدم تحریر طولانی و کشش در عبارات، خواندن شمارا شادتر می کند.

د) هنگام خواندن ادعیه و زیارات.

۷. طنین

تعریف علمی:

در اصطلاح فیزیک به نوسانهای فرعی صوت طنین گفته می شود.

تعریف در مداحی:

به عاملی که باعث تشخیص صداهای مختلف از هم می شود، طنین می گویند.

تأثیر اجزای بدن در طنین صدا:

همان طور که بدنه آلات موسیقی موجب طنین افکن شدن صداهای می گردد که نوازنده به وجود می آورد، بدن شما نیز در تقویت طنین صدا نقش بدنه سازهای موسیقی را دارد.

صدای اولیه از تارهای صوتی سرچشمه می گیرد و با استخوانهای سینه، دندان، سقف دهان، حفره های بینی و سایر قسمت های صورت شما برخورد نموده و صدا را مرتعش و طنین افکن می کند و ایجاد طنین می کند.

راز شنیدن شدن صدا از راه دور:

طنین باعث می شود صدا از راه دور شنیده شود و الا اگر ما فقط صدای ضعیف اولیه که در تارهای صوتی ایجاد می شود را می شنیدیم، صدایی به گوشمان

می رسید که تا چند قدمی قابل استماع است.

انواع طنین

الف) طنین سینه:

این نوع به واسطه برخورد امواج صدا با قفسه سینه ایجاد می شود و غیر اختیاری است و دائماً در صدای شما وجود دارد.

ب) طنین سر:

این نوع به واسطه برخورد امواج صدا با جمجمه، منافذ سر و صورت و بینی ایجاد می شود، این طنین با تمرین قابل تقویت و اختیاری است.

راه پیدا کردن طنین سر:

آوردن صدا به سقف دهان و خواندن روی نوای «آ» یا «ا».

نکات قابل توجه

۱. انحراف بینی، پولپ، سینوزیت و مشکلات فیزیکی حلق، در طنین صدا تأثیر گذار است، لذا خوب است ذاکرین محترم تحت نظر متخصص گوش و

حلق و بینی باشند و در صورت بروز مشکل به درمان آن پردازند.

۲. هنگام خواندن، ناخودآگاه راه خروج امواج را از بینی نبندید؛ چراکه صدا پس از گذشتن از منفذ غار شکل بینی طنین انداز ترمی شود.

۳. هنگامی که با تمام وجود و احساس و هیجان می خوانید گویا تمام سلولهای بدن، با شما در خواندن همراه است و لذا صدا ایتان طنین افکن ترمی شود.
تمرین:

جهت تشخیص طنین شعری را انتخاب کنید و آن را چند بار زمزمه کنید و در هر بار با دست گذاشتن بر سر و استخوان بینی و لبها و سینه، ارتعاش صوت را در این قسمتها احساس نمایید. کسانی هستند که موقع خواندن، ارتعاش راحتی در انگشتان دست و پای خود احساس می کنند.

آقای مداح جوان این میکروفن رو میچسبونی به دهنه و هی هم داد میزنی خوب این مستمع بچاره مغزش اصلا فرصت نمی کنه شما چی میگی. شعرت هدر میره هنر خوندنت هدر میره زحمت های حفظ کردن هات، همه چی. همه ی کارهایی که باید تو بکنی دیگه نمیشه. اضطراب ایجاد میکنی با این کار، استرس میدی به مستمع. این میکروفن باید حداقل پنج شش انگشتی [*] فاصله داشته باشه. یه وقت هایی آگه صدا تنظیم نباشه ناخودآگاه خوندن حواسش نیست و فکر میکنه آگه میکروفن نزدیک که صدا خوب میشه مردم بهتر متوجه میشن به همین خاطر ناخودآگاه میکروفن نزدیک میکنه. وقتی صدا خوبه میکروفن رو نزدیک نبر بگذار مردم بفهمند چی میگی بگذار مردم صفا کنند، بافراخ بال، با ذهن آزاد، با فکر راحت شعرتو بشنوند حرفتو بشنوند. خلاصه این بود میکروفن رو نچسبون به دهنه. [*]
۶ اشکگت میشه حدودا ۱۲ سانتی متر]

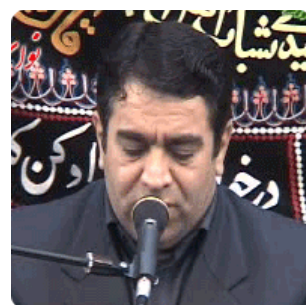
کلیدی بزرگ در مداحی از زبان

حاج حسن خلیج



یه روز دفتر حاج حسن خلیج از ایشون پرسیدم حاج آقا آگه بخواید یه کلید تو خوندن و مداحی کردن

نکته ای برای مداحان جوان از زبان حاج حسن خلیج به صورت خودمونی



بعد از این همه سال قدمت به من بید چه کلیدی
میدید؟

روی خاک افتادی یه روزم خواهرتون زینب سلام
الله علیها الی آخر...

آقای خلیج فرمودند: همیشه سعی کنید مثل یه
شاگرد که دم دست اوستاشه باشید یعنی ببینید
اوستاتون چی میگه و عمل کنید، نه اینکه
خودتون خودسر...

حاج حسن میگفت ما بین روضه گفتم
امیرالمومنین حسینشو از روی خاک بلند کرد
لباسشو تکیون داد...

تا این حرفوز دم دیدم مجلس منقلب شد... یهوایی
بذهنم رسید گفتم آقا جان طاقت نداشتی یه ذره خاک
رو لباس حسینت بینی کجا بودی کربلا...

گفتم حاج آقا یه ذره شفاف تر توضیح میدید...

گفتند یعنی همچوقت برای خودتون نچینید که الان
برم اینجوری شروع کنم بعد به فلانجا که رسیدم این
حرفوز نم یا فلان مطلوب بیگم که مجلس خوب
پیش بره... بذارید ببینید چی به زیانتون از طرف
اوستا یا صاحب جلسه جاری میشه...

مجلس غوغایی شد عاشورایی شد که شاید گریز قبلی
این کار رو نمی کرد و متوجه شدم خود بی بی است
که این گریز روبه زبانه جاری کرد...

و اینجاست که باید مجلس رو دست صاحب مجلس
داد...

بعد فرمودند من چنان معجزاتی در این نوع نوکری
دیدم که بسیار عجیب بوده و بعد یه مثالی آوردن که
همون روز براشون اتفاق افتاده بود...

و واقعا یه کلید بزرگ در خواندن روضه به من هدیه
داد...

گفتن در جلسه روضه میخواستن داستان بعد از
شهادت بی بی دو عالم حضرت زهرا رو بگن که
امام حسین علیه السلام با پدر به کنار مزار بی بی
رفتن و خودشو نوروی خاک انداختن و گریه
کردن...

خداوند سایه همه نوکران با اخلاص سیدالشهدا را
بالای سرمان نگهداره...

میگفت تو ذهنم بود گریزم این باشه که حسین جان
یه روز شما اومدی کنار مزار مادر گریه کردی و

باتوجه به توصیه‌های بزرگان دینی در خصوص اخلاق و رفتار مداحان، در این نوشتار چند نکته از باب فذکران الذکری تنفع المؤمنین بیان می‌شود.

۱- احترام به مردم و مستمعین

یکی از راه‌های تالیف قلوب مومنین و سوق دادن آن‌ها به سوی معارف مکتب اهل بیت (علیهم السلام) احترام به همه مردم است زیرا بسیار دیده شده بایک بی حرمتی به مستمع، نابه هنجاری‌های فراوانی را موجب شده است. متأسفانه برخی از مداحان در این مورد دقت کافی ندارند و باگفتن برخی از عبارات مانند هرکس اشک نمی‌ریزد، چشم او چشم منافق است، اگر نمی‌توانی سینه بزنی توی مجلس نیاو یا اگر کسی اشک نریزد باید در نطفه او شک کرد؛ نه تنها باعث جذب نمی‌شوند بلکه موجب دفع مردم می‌شوند در حالی که در روایات ما آمده حرمت مومنین از حرمت کعبه بیشتر است.

۲- انصاف در نقل مطالب در توسل و روضه

منظور از انصاف در نقل روضه نقل مطالب و مصائب و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) خودداری از افراط و تفریط می‌باشد یعنی عدم

ورود به غلو که شدیداً مورد نکوهش حضرات معصومین (علیهم السلام) است و تفریط همان گفتارهای دون‌شان محمد و آل محمد (علیهم السلام) است. به عبارت دیگر نه آنان را در حد الوهیت که خاص پروردگار است بالا برده و نه آن قدر تنزل داده شوند که با موجودات دیگر تشبیه و تمثیل شوند. باید دقت کرد که اعتقادات مومنین راجع به اهل بیت (علیهم السلام) به شک و شبهه دچار نشود. امام حسین (علیه السلام) روز عاشورا در آخرین وداع فرموده اند: ای اهل بیت من! پس شکوه مکنید و چیزی بر زبان جاری نکنید که ارزش شمارا بکاهد و در شان شما نباشد. انصاف در نقل مطالب را می‌توان در عناوین ذیل نیز بررسی کرد:

۱- پرهیز از ورود به جریان‌های سیاسی و پرهیز از رد و یا تایید حزب یا گروه سیاسی. زیرا در جلسات امام حسین (علیه السلام) از تمامی سلايق سیاسی حضور دارند و این کار باعث رنجش طرفداران يك طيف سياسي ديگري می‌شود. مداحان می‌توانند با شعرهای پندآموز، اخلاقی و مناقب، مردم را به اهل بیت (علیهم السلام) نزدیک کنند تا خودشان راه را تشخیص بدهند و به مصداق آیه شریفه انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفور باشند. توجه به این نکته لازم

است؛ جایگاهی که مداح در آن قرار گرفته است، آنچنان مقدس و عزیز است که مافوق جرایانات و حروف و حدیث‌های سیاسی روز و خدایی نکرده سیاسی بازی باشد و وظیفه اصلی معرفی تمام و کمال زوایای زندگی نورانی اهل بیت (علیهم السلام) می‌باشد بطوری که معیار و میزان را به مستمع بدهد که اگر این اصل محقق گردد، سطح فکری مردم بالا رفته و نتیجه مطلوب حاصل می‌گردد و خود مصداق اصیل را می‌یابد چرا که اهل بیت (علیهم السلام) ساسه العباد بوده و حقیقت دیانت و سیاست متبلور از وجود نورانی ایشان می‌باشد.

۲- پرهیز از تحلیل‌های غلط و توهین آمیز

۳- رعایت ادب در گفتار

۴- پرهیز از مواضع تهمت

۵- باید در نظر داشت جایگاهی که در اختیار مادحین قرار دارد، بسیار مقدس است از این رو مجاز نیستند که هر چه اراده می‌کنند به زبان آورند. اگر چنین باشد جبران آن بسیار سخت و دشوار و بعضاً غیر ممکن است بلکه می‌بایست با کلان‌نگری و

جامع بینی و در نظر گرفتن مصالح مستمع و جامعه به ذکر و مداحی پرداخت.

۳- احترام و روابط نزدیک با مراجع دینی و علمای ربانی

داروی تربیت از پیر طریقت بستان کادی را
بتر از علت نادانی نیست

عابد و زاهد و صوفی همه طفلان رهند مرد
اگر هست به جز عالم ربانی نیست

الف) افضل و اشرف از تمام طاعات و عبادات سه
عمل است:

اول طلب علم و موفق است؛ زیرا که قوام و صحت هر عبادت منوط بر علم است. بلکه هر عملی که انسان می‌خواهد به جای آورد اگر از راه علم وارد نشود آن عمل باطل و ضایع و خراب می‌شود به خصوص مسائلی که مربوط به اهل بیت (علیهم السلام) است. حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند: کسی که بی‌علم عمل کند مثل کسی است که راه کجی را بگیرد و برود. پس هر چه بیشتر قدم برمی‌دارد از حاجت و مقصودش دور می‌شود.

ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی این ره که تو
می روی به ترکستان است

طی این مرحله بی همی خضر مکن ظلمات
است بترس از خطر گمراهی

هر کسی بدون کسب علم در مسئله ای ورود پیدا
کند طبق فرمایش امیر المؤمنین (علیه السلام) به
بیراهه خواهد رفت. سخنوری و خطابه، بیان
احکام شرعی، ورود به شبهات دینی و مذهبی
همه و همه نیاز به کسب علم دارد. توجه شود که این
مسئله چنان مهم است که حتی برخی روحانیون عالم
و باسواد به سختی وارد این عرصه می شوند. از این رو
اخیر حضرت آیت الله مکارم شیرازی دار المبلغین
را تاسیس کرده اند تا طلبه ها پس از تحصیل در سطح و
یا بالاتر به این مدرسه بروند و درس تبلیغ را
بیاموزند.

شایسته است مداحان عزیز در مقوله نضایح به
صورت کلامی و سخنرانی وارد نشوند، بلکه در
قالب اشعار پر محتوا با مضامین اخلاقی مثل: عنان
نفس کشیدن جهاد مردان است، نفس شمرده زدن
ذکر اهل عرفان است، به پند نضایح و سایر امور به
اداره مجلس پردازند و در این مورد حتماً با یکی
از مراجع تقلید یا حتی المقدور یکی از روحانیون

برجسته استان یا شهر یا محله که الحمد لله فراوان
داریم، مشورت کرده و نظر خواهی نمایند.

ب) در کتاب خاطرات مستر همفر جاسوس
انگلیسی در ممالک اسلامی آورده شده است
یکی از برنامه های استعمار برای از بین بردن
اسلام، برهم زدن رابطه دوستی مردم با علما و
مراجع دینی است و در بخش دیگری از
مشکلات استعمار را دل بستگی و علاقه شدید
مردم به عالمان دین بر بنیان عقیده و ایمان می داند و
می گوید باید تلاش کنیم اساس هر گونه رابطه مردم با
علمای دین و اساس هر گونه جماعتی را با زدن
اتهاماتی به علما و مراجع و ائمه جمعه و جماعات
خدشه دار کنیم و از استقبال و احترام مردم به این
جامعه بکاهیم. مخصوصاً لازم است افرادی را
اجیر کنیم تا با اشاعه اتهامات سبب سوء ظن و دشمنی
مردم با آن ها و شکسته شدن آن ها شود. آنچه باعث
رونق مداحی و مرثیه سرایی اهل بیت شده تجه ویژه
امام (ره) و مقام معظم رهبری است و مراجع تقلید
در زمان ما هم این ارزش را چند برابر کرده است.
توجه حکومت به نقش مداحان در کشور و
احترام و تکریم آن ها در محافل عمومی همه و همه
بیانگر اوج عظمت مداحان در پرتو سایه مراجع
دینی و علما و مردم علاقمند به ساحت مقدس اهل
بیت (علیهم السلام) می باشد. پس به عنوان يك

اخلاق مداحی (۲): انتقاد پذیری

۱- روحیه خدمتگزاری به مردم: ما خود را منتسب به اهل بیت (علیهم السلام) می دانیم و همه این شعر را با اشتیاق می خوانیم.

شدم از خرد سالی بی

اراده ارادتمند بر این
خانواده

در این جا انتسابم با حسین است
به فردا هم حسابم با حسین است

اگر زندگی اهل بیت (علیهم السلام) را مطالعه
نماییم، بایک نگاه کلی در می یابیم که سراسر زندگی
آنها در طاعت خالق خدمت به خلق بود. چه زیبا
سرود شاعر خراسانی مرحوم ثابت:

این شنیدستم که آن گلدسته باغ
عفاف جامه نورابه سائل می دهد
شام زفاف

این عمل ثانی ندارد در جهان بی
اختلاف جز علی که داد شمشیرش به دشمن
در مصاف

مداح می بایست ضمن رعایت احترام به مراجع و مردم را تقویت کنیم. نه اینکه به عنوان آتش بیار معرکه، آب در آسب دشمن بریزیم و این عملی نخواهد شد مگر اینکه خودمان را بشکنیم و تواضع کنیم. در این باره رعایت موارد ذیل مناسب به نظر می رسد:

الف: دیدار مستمر و کسب فیض به صورت ماهانه، فصلی و یا حتی المقدور سالی یکبار از مراجع تقلید

ب: حضور در پای مجالس خطبا و وعظ همان طوری که آقایان در پای منبر مداح می نشینند.

ج: خراب نکردن زمینه روضه واعظ با مقدمه چینی های بی جا.

د: تعارف هنگام ختم جلسه برای دعا کردن به روحانی حاضر در

مجلس

۵) ارتباط صمیمانه با روحانی مسجد محل، هیات و...

۶) اذن گرفتن برای جلوس بر روی منبر هنگامی که روحانی برجسته در محفل حضور دارد.

بزرگان دین ما هم همین طور بودند. پیش کسوتان جامعه مداحی در قدیم الایام میان دار خدمت رسانی به مردم بوده اند. هنرمندان، ورزشکاران و سایر اصناف در هر حادثه ای گرد هم می آیند و آستین خدمت به مردم را بالای زنند، اما اثری از جامعه مداحان یا نیست یا که رنگ است. در صورتی که مادحین عزیز در این مسیر با بهره گیری از هنر مقدس مداحی و کلامی می توانند بهترین یار مردم در مشکلات باشند.

مرحوم کافی (ره) چندین مهدیه ساخت، چند باب منزل برای افرادی بضاعت احداث کرد و صدها جهیزیه برای نوعر و سان تهیه کرد. اگر مداحان مشهور اهل بیت (علیهم السلام) در صدی از در آمد خود را جمع کنند و یک کانون داشته باشند می توان صدهایی بضاعت را سامان داد. ما می گویم امام حسن (علیه السلام) چندین بار زندگی خود را خرج فقر کرد.

۲- روحیه انتقاد پذیری: عدم پذیرش انتقاد در جامعه مداحان یک معضل است. حتی برخی از مداحان جوان از جواب دادن به برخی علمای دلسوز هم خودداری می کنند. یکی از علمای بنام که علاقه زیادی به مداحان دارد و اگر متوجه

حضور یک مداح در پای منبر شود حتی روضه نمی خواند و مجلس را به مدح و اگذاری کند، نقل می کرد: یک مداح جوانی مقتلی را خواند، بند سوال کردم سند مقتل کجاست؟ شروع کرد به هتاک و جوسازی که شما علما به مداحان حسادت دارید! چون مردم شما را تحویل نمی گیرند شما عقده ای هستید....

البته ما قبول داریم که برخی روحانیون جوان هم در انتقاد کردن افراط می کنند، اما به هر صورت مداح باید حلیم و صبور باشد و با سعه صدر با روضه برخورد کند.

۳- پرهیز از ورود به تحریفات: تحریف سه قسم است؛ تحریف لفظی، تحریف معنوی و تحریف لحنی.

تحریف لفظی، آوردن مطلبی است که اصلاً دروغ است و وجود نداشته است. مثل عروسی قاسم در کربلا یا عبارتی را که زیاد کنند.

تحریف معنوی، گویند مطلبی را طوری بیان کن که مقصود قائل آن را عوض کند.

اما تحریف لحنی، که متأسفانه بسیار زیاد هم شده است، این است که به بهانه هر چه می خواهد دل تنگت بگوهر سبکی را در مداحی بکار ببریم.

مقام معظم رهبری فرمودند: «فلان خواننده طاغوتی یا غیر طاغوتی شعر عشقی را با آهنگی خواند، حالا بیایم در مجلس امام حسین (علیه السلام) و برای عشاق آن امام همام آیات والای معرفت را در این آهنگ بریزیم و بنا کنیم آن را خواندن، این خیلی بد است.» ۸۴/۵/۵ دیدار با مداحان»

هیچ کس مخالف سبک و نوآوری نمی باشد. اما سبک زمانی پذیرفته است که روح، فکر، عقل و باور را به حرکت در آورد، نه بدن را. سبک در مداحی بویژه در نوحه ها باید محزون باشد. صرف اینکه چند نفر از این سبک خوششان می آید بخوانیم این بی انصافی است. باید سبکی بخوانیم که مورد تایید امام عصر (عج) باشد.

۴- مداح باید قبل از مداح بودن حامد باشد: تابتواند ممدوح نمایی کند، در غیر این صورت خود نمائی می شود و مداح نمائی. اگر مداحان اهل خلوت با خدای خود باشد و اهل تجدد و اهل قرآن و نماز اول وقت باشند، آن وقت می شوند تابلوی معرفت به آل الله و تابلوی خداشناسی، امام شناسی و می شوند محور محبت به آل محمد (صلی الله علیه و آله) برای رسیدن به این مقام حتما باید دست در دست یک استاد داشته باشند.

شهید مطهری (ره) می فرماید: «شخصی به من گفت بیاید به کلاس نهج البلاغه برویم اول نپذیرفتم، گفتم من نهج البلاغه را بلد هستم. ولی بعد نظرم عوض شد رفتم کلاس یک استاد نهج البلاغه. تازه متوجه شدم که نهج البلاغه یعنی چه. بعد از آن سیری در نهج البلاغه را نوشتم».

جناب حسان شاعر با اخلاص اهل بیت می گوید: تمام اشعارم را پس از تایید مرحوم علامه شهیر امینی (ره) می خواندم. از این آثار شعری جناب حسان یک جلوه خاصی دارد.

مخصوصاً مداحان جوان و نوجوان حتما باید دستشان در دست یک استاد و پیش کسوت باشد و مداحان بزرگ هم حتما باید عالم ربانی دست در دست باشند.

پس قنبر در خانه علی شدن کار آسانی نیست، اینطور نیست که سلمان منا اهل البیت کار آسانی باشد، لذا باید با عمل در این زمینه هم سعی و تلاش زیادی انجام شود.

۵- زمان شناسی و مردم شناسی: یکی دیگر از مهم ترین جهات در مداحی موقعیت و زمان شناسی است: زمان ها متفاوتند مثل زمان طبیعی، زمان تاریخی، ترمان اجتماعی و هر یک مقتضیاتی دارند که

در روایات هم به آنها اشاره شده است. زمان طبیعی همان تحولات و حوادث و دگرگونی‌ها و قوانین طبیعی و مقدرات تکوین است که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: "برای افراد عاقل در حالی که هستند شایسته نیست سه چیز را از یاد ببرند که یکی از آنها آفات و بلاهایی طبیعی است." مداح باید زمان رویدادهای تاریخ اسلامی و شیعه و اهل سنت را بداند تا در این زمان مردم را نسبت به وقایع آن آگاه کند و بیان واقعی تاریخی همان روز که واقع شده تاثیر فراوان و مستقیم دارد.

۶- مردم شناسی: مداح با توجه به شناخت و اطلاع از افکار و عقاید و حالات هر جمعی مداحی می‌کند و این شناخت در هر زمانی با زمان دیگر متفاوت است زیرا مردم متفاوتند. امام حسین (علیه السلام) فرمودند: "عاقل کسی است که بداند مردم از او چه توقعی دارند." اعتقاد بزرگان این است، مداح باید عالم به زمان باشد. شاعر خوب کسی است که عالم باشد. جهل مبلغین و سادگی و کم سواد یابی سواد آنها وقتی به جهل مداح و مستمعین آمیخته می‌شود، اهل بیت و معارف آنان در همان غربت خواهند بود باید با فرهنگ مردم هر شهر آشنا بود بعنوان مثال در فلان شهر در آوردن لباس را برای سینه زنی مناسب نمی‌دانند یا در شهری

کف زدن را عملی لئیم دانند، لذا باید به فرهنگ‌ها و رسوم مردم در صورتی که خلاف شرع نباشد احترام گذاشت.

۷- آشنایی با قواعد و تسلط بر قرائت قرآن: بسیار مشاهده می‌شود که برخی از مداحان قرآن کریم را حتی از رویه زحمت می‌خوانند. هزاران بیت شعر را حفظ می‌کنند ولی در زمینه روخوانی قرآن مشکل دارند. مداحان باید دوره کامل روخوانی و روانخوانی و حتی تفسیر قرآن را بیاموزند، تا خدای ناکرده قرآن خواندن مداحان در مجالس ختم و سایر مجالس نقل تفریحی عده‌ای نشود. برخی آنقدر که به مداحی و شعر و مرثیه و آداب شعری و آرایه‌های شعر اهمیت می‌دهند که البته نیاز است، به ادب و رعایت شئون قرائت قرآن کریم خصوصاً در مجالس ترحیم توجه ندارند و بدون توجه به این موضوع فقط قرآن می‌خوانند. هر مداح و شاعری لازم است که بیشتر از شعر و مرثیه به قرآن اهمیت بدهد و فرا گرفتن قرآن را در اولویت قرار دهد و آیات قرآن را با قواعد مربوطه بخواند و قرآن را بهتر و بیشتر از شعر، حفظ باشد.

البته محافل قرآن هم از ذکر اهل بیت نباید خالی باشند. قرآن و عترت در کنار هم ارزش دارد و هر کدام مکمل دیگری است و این دو امانت پیامبر (صلی الله علیه و آله) را باید با هم داشت.

اخلاق مداحی (۳): خودداری از افراط

مداحان اهل بیت عصمت و طهارت (علیه السلام) سرمایه عظیمی در دست دارند که باید در حفظ آن کوشا باشند. مداح می تواند احساسات عاشورائی را بسیج کند و اهداف امام حسین (علیه السلام) و سایر ائمه (علیهم السلام) را در قالب اشعار در دل های مردم به ویژه جوانان جای دهد. به همین علت خودائمه فرموده اند: لک بیت، بیت فی الجنّه.

اما این سرمایه ممکن است دچار آفاتی شود و یابۀ عبارتی باید با آداب و اخلاقی همراه باشد که در مباحث سلسله ای بر آن هستیم تا از باب تذکر به آن پردازیم. در شماره قبل به مواردی همچون انتقاد پذیری، روحیه خدمتگزاری به مردم، پرهیز از تحریفات، زمان شناسی و مردم شناسی، آشنایی با قواعد و تسلط بر تلاوت قرآن اشاره نموده ایم. امیدواریم مورد توجه به علاقه سروران عزیز مداح قرار بگیرد.

- پرهیز از غلو (افراط)

بدو باید معنی غلور مشخص کنیم. (غلو، غلواء، مغالاه یعنی افراط، زیاده روی، اغراق، گزافه گویی). در حدیثی معروف داریم یا کرم و الغلوفی

الدین؛ بر شما باشد که از حدود او امر حق تجاوز نکنید.

بعضی می گویند بحث از باطن هر چیز نمایید و کاشف از علت و مشکلات آن نباشید.

در قرآن هم می فرماید: یا اهل الکتاب لا تغلوا فی دینکم؛ ای اهل کتاب از حدود آنچه خدا نازل کرده و در کتب خود بیان داشته تجاوز نکنید و از حد مگذرید (مائده/۷۵).

و یا حامل القرآن غیر الغالی فیہ ولا الحاقی عنه و یا در حدیث داریم خیر الامور اوسطها حامل قرآن کسی است که از حد آن تجاوز نکند و چیزی از آن رافروگذار ننماید بلکه رعایت اعتدال را بنماید.

امام صادق (علیه السلام) همانند اجداد طاهرنش به شدت در برابر اغراق و غلو ایستادگی می کرد. در طی سالها تلاش از زمان امام علی (علیه السلام) تا امام باقر (علیه السلام) محبوبیتی برای اهل بیت (علیهم السلام) پدید آمد و نفوذ شیعه در عراق و برخی از نقاط دیگر تعمیق یافته بود. اینک غلو کنندگان می کوشند تا بار خنه درون شیعه آن را از داخل متلاشی کرده و چهره خارجی آن را خراب کنند. به طوری که یکی از خوارج شیعه را متهم کرده بود که آنها گمان کرده اند به جهت دوستی اهل بیت (علیهم السلام) مستغنی از انجام اعمال صالح

بوده و از عذاب به خاطر اعمال بدشان نجات می یابند.

به هر صورت امام صادق (علیه السلام) مغز متفکر شیعه و بنیانگذار مذهب حقه جعفری است که عموم شیعیان به آن دلبستگی خاص دارند. آن حضرت (علیه السلام) غلات را سد کنندگان راه خدا دانسته و برای تهذیب شیعه و حرکت در جهت نفی غلو و دور کردن شیعیان از جریان علو اقداماتی را از قبیل: دور کردن شیعیان اصیل از غالیان منحرف

امام (علیه السلام) به مفضل فرمودند: یا مفضل لا تقاعدوهم ولا توأكلوهم ولا شاربوهم ولا تصافوهم؛ ای مفضل! با غلات نشست و برخاست نکنید، با آنان هم غذا نباشید و همراهشان چیزی ننوشید و با آنان مصالحه نکنید (۱) در روایت دیگری امام (علیه السلام) غلات را ملعون خطاب کرده و فرمودند: من و پدرانم از آنها بیزاریم (۲).

به ویژه به جوانان شیعه حساسیت زیادی تری داشته و می فرمودند: احذرو علی شبابکم الغلاه لا یسفیدونهم، فان الغداه شر خلق الله، یضغرون عظمه الله و یدعون الربوبیه لعباد الله؛ درباره جوانان خویش از این که غلاه آنان را فساد کنند بترسید. غلاه برترین دشمنان خدا هستند، عظمت خدا را کوچک کرده و برای بندگان خداوند ادعای

ربوبیت می کنند (۳). از جمیع اقوال حضرت صادق (علیه السلام) اینگونه استنباط می شود که حضرت حتی بدهت گذاران را هم در ردیف غلات می بیند و می فرماید: از همنشینی با اهل بدعت پرهیز کن، زیرا باعث رشد و نمو کفر و گمراهی آشکار در قلب می شود (۴).

سدیر صیرفی نزد امام (علیه السلام) آمد و عرض کرد: جانم به فدای تو، شیعیان درباره شما اختلاف کرده اند. بعضی اظهار می کنند که در گوش سخن گفته می شود، برخی گویند به شما وحی می شود، بعضی می گویند به قلب شما الهام می شود، بعضی می گویند به قلب شما الهام می شود. برخی می گویند به کتب آباء، خویش فتوا می دهید. کدام یک را باید قبول کرد؟

امام (علیه السلام) فرمودند: آنچه را گفته شده رها کن. ما حجت خداوند و امین او بر خلق او هستیم، حرام و حلال ما از کتاب خداوند است. عیسی البجرانی گفت: نزد امام صادق (علیه السلام) رفتم و عرض کردم آیا آنچه را از این قوم (غلاه) شنیده ام بازگویم. امام فرمود: بگو. گفتم: دسته ای از اینان تورا عبادت می کند و تورا الهی جدا می دانند، دسته ای دیگر تورا در حد نبوت بالا می برند.

امام (علیه السلام) آنقدر گریه کرد که محاسنش از قطرات اشک پر شد. آنگاه فرمود: اگر خداوند مرا

بر آنان مسلط کند و خون آنان را نریزم خداوند
خون فرزندانم را به دستم بریزد. یعنی غلام از نظر امام
(علیه السلام) واجب القتل هستند (۵).

به لحاظ اهمیت بحث مجبور شد ایم موضوع را بیشتر
بررسی کنیم تا دوستان مداح و شاعر این مسئله را
مورد توجه قرار دهند. حال که موضوع غلام روشن
شد است به برخی از غلام در مدایح و مرثیاتی اهل
بیت (علیهم السلام) که اخیراً رایج شده اشاره
می‌کنیم.

(۱) استفاده از عبارات شرك آمیز و کفر آلود مثل "لا
الا لفاطمه الزهرا، من حسین اللهم، من علی
اللهم". حضرات مراجع فرمودند: اگر کسی بداند که
چه می‌گوید استکانی را که در آن چای می‌خورد
باید آب کشید.

حساب از من چه می‌پرسی، حسابم با حسین
است، جوابم با حسین است. هر سوالی از
من شود می‌گویم حسین، من ربك حسین،
من دینك حسین، من كتابك حسین، من
نبيك حسین.

تمام این کلمات در ردیف شرك و غلو محسوب
می‌شود. در صورتی که خود امام حسین (علیه
السلام) در روز عاشورا می‌فرماید: الهی رضا

برضائك و تسليماً لامرک لا معبود لی سواک یا غیاث
المستغیثین.

یکی از مصادیق غلام چراغ سبز به گناه نشان
دادن است. احدی منکران الحسنات یدهبین
السنات نمی‌باشد. هیچ‌کسی نسبت به ارزش اشک و
گریه بر امام حسین (علیه السلام) و اهل بیت
(علیهم السلام) تردیدی ندارد. اما همه این ارزشها
نباید بهانه‌ای برای نشان دادن چراغ سبز بگناه
مردم باشد. حضرت آیت الله العظمی مکارم
شیرازی می‌فرماید: نباید در مجالس عزاداری گفته
شود که در طول سال هر گناهی که می‌خواهید انجام
دهید اما در ماه محرم که عزاداری می‌کنید گناهانتان
شسته می‌شود. امام حسین (علیه السلام) برای
مکتب و مذهب شهید شد لذا در مجالس حسینی باید
مذهب را تقویت کرد. جریان حاجب کاشانی و شعرا
و او که "حاجت اگر محاسبه حشر با علی است من
ضامنم تو هر چه که خواهی گناه کن" حضرت (علیه
السلام) را در خواب دید که به او فرمود: "تو مداح
و شاعر خوبی هستی ولی این شعرت خود نبود."
وقتی پرسیدم چه بگویم، امام (علیه السلام)
فرمود: "بگو حاجت یقین محاسبه حشر با علی
(علیه السلام) است شرم از رخ علی (علیه السلام)
کن و کمتر گناه کن."

بینید فرق این دو تفکر چقدر است.

عده‌ای برای ملاقات با علی بن موسی الرضا (علیه السلام) می‌آمدند پیش از شصت مرحله آمدند، ولی امام (علیه السلام) آنها را به حضور نپذیرفتند و آخرین مرحله با اصرار شریفاب شدند. امام رضا (علیه السلام) فرموده‌اند: ادعای گزافی کرده‌اید، گفتید شیعه شما هستیم. حقا با این عنوان خیلی فاصله دارید. شیعه نشانه‌هایی دارد. گفتند ما محب شما هستیم. فرمودند: حال قبول است. بین شیعه و محب خیلی تفاوت‌ها وجود دارد. لذا مداحان، گویندگان و وعاظ و وظیفه دارند مردم را به سمت و سوی سوق دهند که مورد نظر اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) و همان شیعه بودن است.

اخلاق مداحی (۴): پرهیز از دروغ

پرهیز از دروغ در مداحی

در قرآن کریم دروغ‌گویان مورد لعن خدا واقع شده‌اند. دروغ از معاصی کبیره است. برخی از علمای علم اخلاق دروغ را سرمنشا خیلی از گناهان می‌دانند.

شهید بزرگوار دستغیب در کتاب گناهان کبیره آورده است؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

فرمودند: مؤمن اگر بدون عذر دروغ بگوید، هفتاد هزار ملک اورالعنت می‌کنند و بوی گندی از قلبش بیرون می‌آید تا به عرش برسد و خداوند به سبب این دروغ، گناه هفتاد زنا را برای او می‌نویسد (۶).

قرآن کریم در سوره نور (۷) می‌فرماید: ان لعنته الله علیه ان کان من الکاذبین، دروغ‌گو مورد خشم و غضب خداست.

محمّل است این عقوبت برای دروغی باشد که ضرر و مفسدش بیش از ضرر و مفسد زنا است. چنان که بعضی از دروغ‌ها است که سبب برافروخته شدن آتش فتنه و از بین رفتن اموال و اعراض بلکه ریختن خونهای گردد و یا این که مراد دروغ بر خدا و رسول ائمه طاهرین (علیهم السلام) باشد که اشد مراتب کذب است.

دروغ بستن به خدا و ائمه اطهار (علیهم السلام) باعث ابطال روزه می‌شود. محدثین می‌گویند: دروغ همانطور که روزه را باطل می‌کند، باعث حبط اعمال صالحه می‌شود. در قرآن کریم چند جا کلمه ویل دارم ویل یومئذ الکذبین، ویل للمصلین و ویل للمطففین ولی یک آیه دیگر نیز آمده خیلی مهم است.

فویل للذین یکتبون الکتاب بایدیم، فویل لهم
مما کتبت ایدیمم وویل لهم مما یکسبون (۸)؛ وای
بر آن کسانی که از پیش خود چیزی نوشته و
می گویند: وای بر آنهایی که از نوشته مجهول چیزی
بدست می آورند و وای بر نوشته هایشان.

به دو مورد از روضه های دروغ که برخی
خواندند توجه بفرمایید.

مداحی نقل می کرد: امیر المؤمنین (علیه السلام)
حضرت عباس (علیه السلام) را در سنین کودکی
سوار بر اسب می کرد و اسب را رها می کرد، حضرت
ابوالفضل (علیه السلام) از اسب به زمین افتاد. ام
البنین (س) علت را سوال کرد. آقا امیر المؤمنین
(علیه السلام) فرمودند: می خواهم فرزندم از الان
افتادن از روی اسب را تجربه کند برای کربلا. آیا
هیچ انسان کوتاه فکری با فرزندش چنین رفتاری
می کند که امیر المؤمنین (علیه السلام) مطهر
عقلانیت و انسانیت چنین کند.

در جای دیگری مطرح شد: وقتی جمعده به
امام حسن (علیه السلام) زهر داد، امام حسین
(علیه السلام) به بالین برادر آمدند. حضرت عبد
الله بن حسن (علیه السلام) به عمو عرض کرد: من
می دانم چه کسی به پدرم زهر داد و حضرت قاسم
(علیه السلام) اشاره کرد که چیزی نگوی! حضرت
عبد الله (علیه السلام) در کربلا بنا به نقل مشهور و

صحیح ۱۱ ساله بوده اند. امام حسین (علیه السلام) در
سال ۵ هجری شهید شدند. یعنی به طور قوی عبد
الله (علیه السلام) هنوز یک سال هم نداشتند.
چگونه طفل سخن می گوید. البته برخی ها برای
توجیه دروغ می گویند در دستگاه اهل بیت
(علیه السلام) همه چیز امکان پذیر است. بله این
فقط در مورد امام معصوم (علیهم السلام) صدق
می کند که آن هم در مورد امیر المؤمنین (علیه
السلام) و امام عصر (عج) که به محض تولید قرآن
خواندند اند یا امام حسین (علیه السلام) با حضرت
زهرا (س) در رحم حرف می زد. امام موضوعات
مذکور دروغ محض و ساختگی و باعث تشویش
اذهان مردم علاقه مند به اهل بیت (علیهم
السلام) و سوء استفاده دشمنان تشیع می شود. الحمد
الله این قدر معارف و مقاتل اهل بیت (علیهم
السلام) گسترده است و داستان زندگانی سراسر نور
ائمه هدی (علیهم السلام) و به ویژه امام حسین
(علیه السلام) روشن و واضح است و مطالب ارزنده
و آموزنده و مستند و معتبر و متقن زیاد است که قرنها
همه مداحان و وعاظ و گویندگان مذهبی را بس
است. برای توجه دوستان ذاکر و همه علاقه مندان
به مکتب تشیع چند حدیث نقل می کنیم.

مردی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سوال
کرد: چه عملی سبب دخول در آتش می شود؟

پیامبر فرمود: دروغ زیر دروغ سبب فجور، کفر؛ کفر سبب دخول در آتش است.

عذاب ویژه دروغگویان

۱- رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله)

می فرماید: شبی که به معراج رفتم دیدم مردی را که بر پشت خوابانیده شده و دیگری بر سرش ایستاده و در دستش عصایی از آهن که سرش گج باشد بود. پس بر یک طرفش می آمد و با آنچه در دستش بود، بر رویش می زد. و از طرف دهان تا قفاش را قطعه قطعه می کرد و همین کار را تکرار می کرد و هنوز از این طرف فارغ نشده، طرف دیگر را شروع می کرد. پرسیدم علت عذاب این شخص چیست؟

فرمودند: این مردی است که صبح از خانه اش بیرون می رود دروغی می گوید که زیانش به آفاق می رسد و با او تا روز قیامت چنین رفتاری می شود (۹).

۲- امام باقر (علیه السلام) به ابو نعمان می فرماید: یک دروغ هم از قول مامگو، زیرا که آن دروغ تورا از دین حنیف اسلام خارج می کند (۱۰).

یعنی به واسطه این دروغ که بر مابستی نور ایمان از دلت خارج می شود و اگر این قسم دروغ در حال

روزه باشد در صورت تعدد موجب بطلان روزه هم می شود.

تذکر مهم

شهید دستغیب می فرماید: فرقی در حرمت دروغ نیست. بین این که دروغ را به زبان بگوید یا به قلم بنویسد یا به اشاره بفهماند و نیز فرقی نیست دروغی را که می گوید در کتابی دیده باشد و خودش نسبت دهد یا اختراع خودش باشد. لذا کسانی که در امر تبلیغ منبر و خطابه و مداحی را دنبال می کنند در معرض خطر بزرگی هستند.

نکته آخر امیر المؤمنین (علیه السلام) به حارث همدانی می فرماید: "تقل مکن برای مردم هر چه را که شنیدی که همین بی مبالاتی در نقل کافی است در دروغگویی (۱۱).

اخلاق مداحی (۵): غلو؛ خواست دشمن

در طی سال های تلاش، از زمان امام علی (علیه السلام) تا امام باقر (علیه السلام) محبوبیتی برای اهل بیت پدید آمدن بود و نفوذ تشیع در عراق و برخی از نقاط دیگر، تعمیق یافته بود. در آن

زمان غلامی کوشیدند تا بار خنه در درون شیعه
آن را از داخل متلاشی کرده و چهره خارجی آن را
خراب کنند.

جریان غلامه از جهاتی برای تشیع خطرناک بود و از
درون سبب ایجاد آشفتگی در عقاید شیعه شد و
آن را منزوی می کرد، اینکه مروری بر اقدامات
امام صادق (علیه السلام) در جهت طرد و نفی غلامه
در دیدگاههای آنها و نیز تکفیر این گروه خواهیم
داشت.

اقدامات امام صادق (علیه السلام)

۱- دور کردن شیعیان اصیل از غلامه منحرف:
بدیهی است وجود رابطه بین شیعیان خالص و ناب
یا اینگونه افراد به لحاظ جذابیت موجود در این
قشر می توانست شیعیان را به طرف غلوبکشاند، به
ویژه که غلامه به دروغ خود را از نزدیکان ائمه
معرفی می کردند. وقتی با تکذیب امام مواجه
می شدند. می گفتند که این تکذیب صرفاً از روی
تقیه است. این امر در فریب شیعیان ساده دل موثر
بود.

۲- انکار عقاید غلامه: امام (علیه السلام) برای
نجات تشیع از این گروه کتاب خدا را میزان قرار

می دادند و از شیعیان می خواست ادعای نادرست
غلامه را نپذیرند.

امام (علیه السلام) در پاسخ به یکی از صحابه که
اظهار داشت شیعیان درباره شما اختلاف کرده اند؛
بعضی اظهار می کنند که در گوش شما سخن گفته
می شود، بعضی می گویند به شما وحی می شود و
بعضی می گویند به قلب شما الهام می شود، بعضی
می گویند در خواب می بینید، بعضی می گویند به
کتاب و آراء آباء خویش فتوا می دهید. کدامیک را
باید پذیرفت؟

امام فرمودند: لا تاخذ بشیء مما یقولون، نحن حجه
الله و امانه علیه خلقه حلالنا من کتاب الله و حرماننا
منه؛ آنچه را که گفته شده رها کن، ما حجت خداوند
و امین او بر خلق او هستیم، حرام و حلال ما از کتاب
خداوند است (۱۲).

۳- لعن امام (علیه السلام) به غلامه: لبه تیزر خورد
امام با غلامه عقایدی بود که ضمن آنها، کوشش می شد
تا جنبه ای از الوهیت به امامان نسبت داده شود که
آن حضرت فرمود: لعنت خداوند بر کسی که چیزی
در حق ما بگوید که ما خود نگفته ایم. لعنت
خداوند بر کسی که ما را از عبودیت برای خدایی که
ما را خلق کرده و بازگشت ما به سوی او و سرنوشت
ما در ید قدرت اوست، جدا سازد (۱۳).

در روایت دیگری آمده که حضرت فرمودند: خداوند مفوضه (۱۴) را لعنت کند، آنها عصیان پروردگار را کوچک کردند تا از اجرای احکام الهی و ادای حقوق فراکنند (۱۵).

با این برخورد پیام‌گونه امام صادق (علیه السلام) و حرکت صحیح سایر ائمه شیعیان اصیل از این انحراف‌های یافتند اما، متأسفانه اثرات نامطلوب آن در جلوگیری از رشد بیشتر شیعه باقی ماند. حتی در تاریخ دارد به خاطر وجود غلو ابوحنیفه به اصحابش دستور داد که حدیث غدیر را نقل کنند گرچه این عمل بسیار ناپسند است اما این عمل نشان می‌دهد که جریان غلو، چه ضرری حتی بر نقل صحیح‌ترین روایات فضایل امیر المؤمنین داشته است.

دشمنان مکتب و مذهب حقه تشیع از هر راهی در هر برهه‌ای به این دسیسه متوسل می‌شوند به طوری که همفرانگیسی در خاطرات خود می‌گویند برای جلوگیری از نفوذ شیعه باید اقداماتی را انجام دهیم از جمله اینکه: تبلیغ عقاید و مذاهب من در آوردی و ساختگی در مناطق اسلامی با برنامه‌ریزی آگاهانه و منظم به گونه‌ای که تبلیغ پس‌ارزیابی زمینه‌های مساعد فکری در اقصای مردم صورت گیرد و خلاصه اینکه برای پیروان تشیع که علاقه‌زاید الوصفی به ائمه خود دارند، مذهب حسین الهی، پرستش علی بن ابی‌طالب و

حضرت صادق (علیهم السلام)، مبالغه در شخصیت امام غائب و مهدی موعود مبالغه در شخصیت علی بن موسی الرضا (فرقه‌های مختلف علی الهی، صادق الهی) ترویج شود. مناسب‌ترین نقاط برای هر یک از این مذاهب در عراق و ایران به ویژه شهرهای پر جمعیت است. طبعاً نشر و تبلیغ این مذاهب جعلی نباید منحصر و محدود باشد. بلکه در میان فرقه‌های اربعه تسنن نیز باید مذهبی از این دست به ترتیبی که یاد شد انتشار یابد و اختلافات و منازعات شدیدی بین این فرقه‌ها برپا گردد. تا بدانجا که هر فرقه خود را مسلمان واقعی بداند (۱۶).

یکی از اثرات نامطلوب غلو به هدف رسیدن دشمنان قسم خورده اهل بیت (علیهم السلام) هستند که طبعاً هیچ‌یک از نوکران مخلص آل الله به این امر راضی نمی‌باشند و هوشیارانه با این پدیده مقابله می‌کنند.

در جمع‌بندی این بحث مهم باید متذکر شد دشمن در محو کردن و از میان برداشتن هر چیزی که از ناحیه آن احساس خطر نموده منصرف نمی‌شود و اگر در طرحی ناموفق شد از راه‌های دیگری کوشد موضوع یا محیط خیز را از میان بردارد. در میان عزاداری چون متوجه شد دو طرح تحریف و غلو کاربرد ندارد، زیرا هوشیاری پیشوایان دینی با تحلیل‌های همه‌فهم، توطئه حساب شده آنها را خنثی

نمود. تنهارا باقی ماند، را در تزریق انواع آسیب‌های ممکن به پیکره عزاداری می‌داند. آنچه در این برهه مهم است این است که بعضی اوقات آسیب‌ها به وسیله ارادتمندان به عزای حسینی به سلیقه‌ای که با ظاهر شرع هم منافاتی ندارد تزریق می‌شود و توسط همین نوع افراد ترویج می‌شوند.

حضرت آیت‌الله وحید خراسانی می‌فرماید: کوچکترین کلمه که شعائر حسینیہ را سست کند کمر خاتم النبیین را می‌شکند.

در پایان باید اذعان کرد همه مباحث، شعرا و خطبا باید گوش به فرمان مرجعیت شیعی به ویژه مرجع عالیقدر رهبر عظیم‌الشان باشند که از همه مناظر به این موضوع احاطه دارند و فتوا و کلام ایشان فصل الخطاب است.

آداب مداحی (۶): دعاخوانی؛ جذاب و اثرگذار

دعاخوانی؛ جذاب‌ترین و اثرگذارترین برنامه مذهبی

بی‌شک دعاخوانی و زیارت‌خوانی و مناجات یکی از جذاب‌ترین، پر محتواترین و اثرگذارترین برنامه‌های مذهبی به ویژه برنامه مداحان عزیز می‌باشد. ولی در این خصوص بسیار سلیقه‌ای عمل می‌شود. دعا و زیارت را به هر شکلی می‌خواهند قرائت می‌کنند، نه به طوری که بیان شده. یعنی آداب قرائت ادعیه و زیارت را مراعات نمی‌نمایند. قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): الدعاء سلاح المؤمن، عمود الدین و نور السموات و الارض؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: دعا سلاح مؤمن است و ستون دین و روشنای آسمان و زمین است.

آنچه در این مبحث لازم است بیان شود بررسی آداب قرائت دعا و زیارت است. بسیار دیده شده که برخی در مجالس مختلف، دعا و زیارت را به رعایت آداب و شئون و حدود و شعور آن می‌خوانند به همین مناسبت دعاخوانان و زیارت‌خوانان و زیارت‌خوانان که عمدتاً آنها را مداحان اهل بیت (علیه السلام) تشکیل می‌دهند لازم است آداب و نکاتی را رعایت کنند که اهم آنها عبارتند از:

۱) حتماً در مرحله اول یک دوره ادعیه و زیارات را هم از لحاظ روخوانی صحیح در جهت ادای الفاظ و عبارات تعلیم ببینند و در مفاهیم دعا تلاش کنند تا با تفسیر و فهم آن آشنا شوند. به نظر می‌رسد مداحان

گرای باید یک دوره صرف و نوح کامل را آموزش ببینند که هم در مداحی در احاطه بر مقاتل عربی و هم در ادعیه و زیارات بسیار موثر خواهد بود. زیرا زبان عربی به شکلی است اگر یک فتحه یا کسره یا ادای حروف مراعات نشود معانی آنها نیز تغییر می‌کند.

۲) مداحان جوان در جلسات دعا و زیارت خوانی مداحان پیش کسوت و مجرب و باسواد و اهل ذوق شرکت کنند و از محضر آنها بهره‌مند شوند. و اصولاً شیوه اجرای مراسم دعا و زیارت را به طور عملی بیاموزند.

۳) دعا نباید با حالت فریاد خوانده شود. بلکه باید همراه با تضرع، زاری و جذاب خوانده شود. قرآن کریم می‌فرماید: ادعور بکم تضرعاً و خفیه؛ خداوند درباره حضرت زکریا و حضرت عیسی (علیهم السلام) می‌فرماید: آنان در کاری خیر سرعت داشتند و با امیدواری و باترس ما را می‌خوانند.

۴) ده چیز از مقارنات حال دعا است که باید خواننده آن را مراعات کند:

- ۱- اصرار در دعا، ۲- تعجیل نکردن در دعا، ۳- نام بردن حاجات، ۴- صلوات بر محمد (صلی الله علیه و آله) و آل محمد (علیهم السلام) قبل و بعد از دعا، ۵-

پرهیز از ریاکاری، ۶- به طور عمومی دعا کردن، ۷- در حالت کسالت دعا نخواندن، ۸- اشک در دعا، ۹- کم‌وزیاد نکردن اجزاء دعا و ۱۰- مقدم نشمردن سایر امور بر دعا

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: خداوند بندگان را که در دعا و حاجت اصرار دارند دوست دارد. امام رضا (علیه السلام) فرمودند: یک دعای پنهان با هفتاد دعا آشکار برابر است. (البته این حدیث منافاتی با تجمع در دعا ندارد چون دعای دست جمعی هم خاص خود را دارد). پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: دعا را عمومیت دهید که زودتر به اجابت می‌رسد، همانطوری که در دعای ماه مبارک رمضان هم همین آموزش را می‌بینیم. اللهم اشفع کل مریض، اللهم رد کل غریب، کلی گویی و کلی خواستن در دعا. مداحان و کلاً دعا خوانان باید به این چند نکته توجه کنند.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: آنگاه که پوست بدنت بلرزد و اشک سرازیر شود و قلبت ترسید آن حال را غنیمت شمار که به مقصد نائل می‌شوی.

امام صادق (علیه السلام) باز هم می‌فرماید: هر چیز کیل و وزنی دارد به جز اشک که یک قطره اش دریا های آتش را خاموش می‌کند. مداح اهل

رعایت و مجرب می‌توان همه این حالات را به مستمع انتقال دهد.

برای دقت بیشتر عزیزان یکی از موارد ده گانه مقارنات دعا را بیشتر توضیح می‌دهیم.

گرم زیاد نکردن اجزاء دعا

امام سجاد (علیه السلام) فرمود: در تکرار اذکار و دعا اسراری است که بر اهل ظاهر پوشیده است. همانطور که می‌دانیم کثرت ادعیه و زیارات یا از ناحیه مبارک ائمه هدی (علیهم السلام) صادر شده است. لذا امانت داری حکم می‌کند که در عبارات و فرموده‌های ائمه (علیهم السلام) دخل و تصرف نکنیم. به این داستان توجه کنید. استاندار شام در زمان منصور دوانیقی به نام علی بن هبیره بود. یکی از غلامان خود را که شیعه بود به شدت تنبیه کرد و غلام که رضید نام داشت به مدینه آمد و به امام صادق (علیه السلام) شکوه برد. امام فرمودند: به شام برگرد و به ابن هبیره بگو من غلامت رضید را به پناه در آوردم. با او مدارا کن و به بدی رفتار نکن. رضید از محضر امام (ع) مرخص و با یکی از شاگردان امام (ع) مواجه می‌شوند. به او می‌گوید رضید دستانت را می‌بینم مثل دستان یک مقتول، چشمانت را می‌بینم به زودی مرگت فرا می‌رسد. اما زبان‌ت را باز کن ببینم. زبان را گشود گفت

چیزی بر زبان داری که اگر به حیوانات درنده در او کوه بخوانی همه تحت فرمان تو قرار می‌گیرند. می‌گوید به شام رسیدم و مرا به کاخ استانداری بردند. استاندار قصد کشتن مرا داشت. گفتم پیغامی دارم. گفت از کی؟ گفتم از اباعبدالله جعفر بن محمد (ع). پیغام را گفتم بدون کمر و کاست. هبیره مرا آزاد و حقوق مرا هم پرداخت کرد.

تکرار اذکار دعا اشکال ندارد ولی انسان را از مقصود و گنج نهانی دور می‌نماید. عرفا دعا را به گنج یا مخ العباده تشبیه می‌کنند. مثلاً به فردی بگویند در فلان مکان وارد شدی سه متر در طول و دو متر عمیق را حفر کنی به گنج دست می‌یابی اما آن شخص برود و سه متر و نیم حفر کند و عمق هم کمتر یا بیشتر حفر کند قطعا به گنج مقصود نمی‌رسد